



رانش قاره‌ای زیر سر سنجاب حریص / گردن زرافه ها چگونه دراز شد

«عصر یخبندان ۴» آخرین قسمت از چهارگانه «عصر یخبندان» است که با عنوان «رانش قاره‌ای» به نمایش درآمد و علاقمندانی که سه قسمت قبلی این فیلم را دیده‌اند، می‌توانند سرنوشت شخصیت‌های داستان را پیگیری کنند.

«عصر یخبندان ۴» آخرین قسمت از چهارگانه «عصر یخبندان» است که با عنوان «رانش قاره‌ای» به نمایش درآمد و علاقمندانی که سه قسمت قبلی این فیلم را دیده‌اند، می‌توانند سرنوشت شخصیت‌های داستان را پیگیری کنند.

خبرگزاری مهر- گروه هنر: مجموعه انیمیشن‌های «عصر یخبندان» به عنوان مجموعه‌ای بامزه و شوخ طبعانه شناخته می‌شود. از همان قسمت نخست این انیمیشن در سال ۲۰۰۲، فیلم طرفداران بسیاری در سراسر جهان به دست آورد و گرچه در مسیر خود با موضوع های چالشی و تغییرات بزرگ روبه رو نشد، اما توانست مخاطبان خود و بیشتر از همه کودکان و نوجوانان را با خود همراه نگه دارد.

انیمیشن کم‌دی، خانوادگی «عصر یخبندان ۴» محصول سال ۲۰۱۲ است که با بودجه ۹۵ میلیون دلار ساخته شد و در نهایت با فروشی ۸۷۷ میلیون دلاری، موفقیت بزرگی را برای شرکت سازنده اش رقم زد. بلو اسکار استودیوز شرکت سازنده این انیمیشن و کمپانی فاکس قرن بیستم تولید کننده آن است. این انیمیشن به کارگردانی استیو مارتینو و مایک تورمی‌یر و بر مبنای فیلمنامه ای از مایکل برگ و جیسون فاکس ساخته شده است.

برخلاف مجموعه‌های قبل، کارگردانی این قسمت برعهده کارلوس سالدانا گذاشته نشده است. مارتینو، یکی از کارگردانان فیلم، در قسمت سوم دستیار کارگردان بوده و تورمی‌یر، قبلاً کارگردان فیلم «هورتون» بوده است. این دو پیش از این در ساخت چند انیمیشن کوتاه با هم همکاری داشته‌اند و کارنامه خیلی بلندبالایی ندارند.

قسمت چهار «عصر یخبندان» مثل قسمت‌های قبل، در واقع کارتونی است که در روزهای تعطیل پخش می‌شود؛ همان قدر ساده و قابل پیش بینی اما در عین حال جذاب و با کیفیت ساختی بالا. در یک کلام این فیلم می‌تواند کاری کند که بچه‌ها پای تلویزیون بنشینند و از تماشای فیلم لذت ببرند و بزرگسالان هم بدون نیازی به بحث و جدال درباره مفاهیم آن یا احتمالاً بخش هایی که مناسب بچه ها نیست، می‌توانند با آرامش آن را تماشا کنند. بعضی از جوک‌ها و شوخی‌ها مثل بعضی از حرکت‌ها، خنده‌دار هستند و اگر خنده دار هم نباشند حداقل بسیار پرزرق و برق و زنده هستند.

هرچند به هیچ وجه چیزی برای گلایه در فیلم وجود ندارد، اما دلیل خاصی هم وجود ندارد که بخواهید به کسی توصیه دیدن آن را نکنید. فقط اگر قصد دارید وقت بگذرانید و فیلمی تماشا کنید به عنوان یک پیشنهاد خانوادگی، انتخاب خوبی کرده‌اید. در واقع کسانی که از یک یا دو قسمت قبل این فیلم لذت برده‌اند بهتر است که این قسمت را نیز ببینند اما کسانی که از قسمت های قبل لذت نبرده‌اند، طبعاً چیز جذابی در این قسمت هم نخواهند یافت.

این مجموعه نیز مانند مجموعه‌های قبل هم به صورت سه‌بعدی و هم دوبعدی در سینماها اکران شده و علاوه بر این به شیوه نمایش آی‌مکس هم به نمایش درآمد. این فیلم که درست یک دهه بعد از اولین قسمت این مجموعه و در تابستان ۲۰۱۲ راهی سینماها شد، اکران موفقی را تجربه کرد. انیمیشن «عصر یخبندان ۴» با فاصله کمی از اکران انیمیشن در سطح جهانی، دوبله و وارد وارد شبکه نمایش خانگی نیز شده است.

قصه از کجا شروع شد؟

شخصیت های شناخته شده قبلی یعنی «مانی» همان ماموت دوست داشتنی، «دیه‌گو» همان ببر با دندان‌های شمشیری و «سید» همان تنبل همیشگی این بار به جنگ «کاپیتان گات» می‌روند.

«مانی» که در قسمت‌های قبلی انیمیشن شاهد ازدواج و بچه دار شدنش بودیم، حالا دختر نوجوانی دارد که دوست دارد استقلال بیشتر داشته باشد. او در نقش یک پدر همیشه مراقب اوست و همیشه سر این موضوع با هم اختلاف دارند. یک روز خانواده سید می‌آیند و نگهداری مادر بزرگ پیرش را که بد اخلاق تر از خود سید است، به گردن او می‌اندازند و می‌روند. سید که همیشه در آرزوی داشتن خانواده بوده به سرعت متوجه می‌شود که دلتنگی خانواده برای وی تنها به دلیل خلاصی آنها از مادر بزرگ پیر خانواده بوده است.

اما اینها آغاز ماجراست چون اتفاق بزرگ‌تری در سطح کره زمین در حال رخ دادن است: قاره‌ها در حال جدایی از هم هستند. زلزله‌های مداوم و شکستگی‌ها و فرورفتگی‌های فلات‌ها دارد همه چیز را به هم می‌ریزد و زندگی موجودات را تهدید می‌کند. در اثر شکستن یخ ها و ایجاد رانش قاره‌ای، «مانی» و «دیه‌گو» و «سید» از بقیه جدا می‌شوند. «مانی» در آخرین لحظات از خانواده‌اش می‌خواهد با موجودات محل به جایی امن بروند و قول می‌دهد پیدایشان کند و در مکانی نزدیک پل دوباره به آنها بپیوندد.

به این ترتیب دو گروه شکل می‌گیرند. «مانی» و دوستانش از یک سو می‌خواهند به بقیه برسند و «پیچز» و بقیه از طرف دیگر در تلاش هستند. گروه «مانی» در این جنگ دریایی به جای این که سوار یک کشتی باشند، روی یک تکه یخ هستند. آنها با دزدان دریایی روبه‌رو می‌شود و پس از طی ماجراهایی با کمک سنجاب‌ها و نهنک دست آموزی که متعلق به مادر بزرگ سید

است، دزدان دریایی را شکست می‌دهند.

تمام این ماجراها منتهی به فیلمی با تقلای متعدد، کشتی شکسته، تعقیب و گریز و یک داستان عاشقانه برای «دیگو» می‌شود که شیفته یک ببر ماده به نام «شیرا» شده که افسر عالی رتبه کاپیتان گات است. «اسکرات سنجاب» نیز که عامل اصلی رانش قاره‌ها، ساخته شدن ابوالهول و حتی فرضیه تکامل داروین معرفی می‌شود، بالاخره به سختی به سرزمین شاه بلوط‌ها دست پیدا می‌کند اما به واسطه حرص و ولع زیادش سرزمین موعود را را به نابودی می‌کشاند و آتلانتیس را غرق می‌کند!

شخصیت‌ها و صداپردازی

خالقان اصلی صدای این فیلم هم با وام دادن شخصیت‌هایی جذاب به این افراد در موفقیت انیمیشن نقش مهمی دارند. در واقع باید گفت شخصیت‌ها همان هستند که باید باشند و برای کسانی که از دیدن اینگونه چیزها لذت می‌برند کافی به نظر می‌آیند. در این انیمیشن ری رومانو در نقش «مانی» همان ماموت پدر که عضو خوش اخلاق و باهوش گروه و پدر یک خانواده بزرگ است، صحبت می‌کند.

دنيس لیری در نقش «دیه‌گو»، ببر تیزدندان و شخصیت شجاع و عنق صحبت کرده و لکوئیزامو در نقش «سید»، تنبل که شخصیت خرابکار انیمیشن است، حرف زده است. کوئین لطیفا در نقش «الی»، همسر «مانی» که همچنان صبور و دقیق است و ککه پالمردر نقش «پیچز» دختر بازیگوش «مانی» و همسرش صحبت کرده است. جنیفر لوپز در نقش «شیرا»، معاون رییس دزدان دریایی که در آخر به گروه «مانی» می‌پیوندد، حضور دارد.

قابل توجه این که «سید»، «مانی» و «دیه‌گو» یکی از محبوب‌ترین گروه‌های سینمایی هستند و هر یک با کاراکتر خاص خود، هر بار ماجراهای جدیدی را تجربه و خلق می‌کنند.

شخصیت متفاوت انیمیشن

انیمیشن طبق سنت با سنجاب خرابکار و بلوط رؤیایی‌اش آغاز می‌شود. مانند همیشه «اسکرات» سنجابی که به دنبال فندق است، همچنان خرابکاری‌های عجیب و غریب می‌کند و هیچ امیدی به سرعقل آمدنش نیست.

شخصیت این سنجاب حریص که تاکنون موضوع چند انیمیشن کوتاه مختلف شده، همچنان با اپیزودهای کوتاه در این قسمت حضور دارد. مثل همیشه سنجاب دزدکی به صحنه می‌آید و هرچند برخی از صحنه‌های مربوط به او یادآور صحنه‌های تعقیب و گریز «کایوت و میگ میگ» است، اما او جای خودش را در این مجموعه یافته است و با تلاشی که همیشه برای رسیدن به بلوط می‌کند، ناخواسته و نادانسته تغییراتی ایجاد می‌کند که در زندگی بقیه تاثیرگذار است.

این بار هم داستان فیلم با دیدن «اسکرات سنجاب» به دنبال یک دانه بلوط آغاز می‌شود و خرابکاری که این بار به بار می‌آورد بزرگ‌تر از همیشه است: جداشدن کره زمین به چند قاره!

سنجاب بالای کوهی ایستاده و بلوطی که در دست دارد را به قله کوه می‌کوبد. یک دفعه کوه از هم باز می‌شود و سنجاب داخل هسته زمین می‌افتد. میوه بلوط هم کنار اوست. سنجاب برای رسیدن به میوه جلوتر می‌رود و همین باعث چرخش هسته می‌شود و این چرخش باعث فاصله گرفتن زمین از هم و ایجاد قاره‌های مختلف می‌شود.

پیام انیمیشن

خانواده در این قسمت عصر یخبندان، موضوع مرکزی است. «مانی» با جدا شدن از خانواده، همه تلاشش را می‌کند تا دوباره آنها را پیدا کند و در نهایت «پیچز» هم به اهمیت پدرش پی می‌برد. سید حالا با مادر بزرگش یک خانواده تشکیل می‌دهد و این مادر بزرگ غرغرو در نهایت موجب نجات همه می‌شود. «دیه‌گو» هم می‌خواهد با «شیرا» تشکیل خانواده بدهد.

پیام‌های انسان دوستانه فیلم برای کودکان می‌تواند آموزنده باشد. پیام‌هایی چون همیشه هوای دوستان را داشته باشید، یا اینکه زندگی با همدیگر بهتر از زندگی انفرادی است و... از جمله مواردی هست که در «رانش قاره‌ای» به آن تاکید شده و این مفاهیم به سادگی هرچه بیشتر به تماشاگر انتقال می‌یابد.

کیفیت انیمیشن

پیشرفت گرافیکی در این قسمت قابل توجه است. کیفیت انیمیشن‌های حیوانات به مراتب افزایش پیدا کرده و پیچ و خم‌های بدن آنها طبیعی‌تر به نظر می‌رسد. این شامل فیزیک اسکرات نیز می‌شود که نسبت به گذشته از کیفیت بالاتری برخوردار است و موهای بدنش با ظرافت و دقت بیشتری تصویر می‌شود. حتی تغییرات کمی در ظاهر شخصیت‌ها هم داده شده است.

پیشینه انیمیشن

این انیمیشن چهارگانه در طول یک دهه ساخته شده است. در قسمت اول «عصر یخبندان» در سال ۲۰۰۲، داستان با رسیدن عصر یخبندان و با حضور یک ببر تیزدندان، یک تنبل و یک ماموت بزرگ آغاز می‌شد که یک نوزاد انسان را پیدا می‌کنند و تلاش دارند این نوزاد را به پدرش بازگردانند و در این راه با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شوند...

در قسمت دوم با عنوان «ذوب» که سال ۲۰۰۶ اکران شد، عصر یخبندان در حال پایان یافتن است. سه قهرمان که متوجه خطر زیر آب رفتن منطقه زیست خود و در نتیجه نابودی حیوانات شده‌اند، تصمیم می‌گیرند تا قبل از آب شدن یخ‌ها خود را به منطقه ای امن برسانند. آنها در طول راه با «الی»- یک ماموت ماده- و دو همراه وی «کرش» و «ادی» برخورد می‌کنند و ...

در قسمت سوم با عنوان «آغاز دایناسورها» در سال ۲۰۰۹، «مانی» و «الی» منتظر تولد بچه‌شان هستند. مانی به قدری از این

بابت هیجان زده است که دیگر به چیزی اهمیت نمی‌دهد. «دیه‌گوم» هم که می‌بیند دارد دچار ضعف می‌شود، می‌خواهد گروه را ترک کند. «سید» هم می‌خواهد برای خودش خانواده داشته باشد و سه تخم دایناسور پیدا می‌کند، ولی مادر بچه‌ها دنبال اوست. حالا که «سید» گمشده، «مانی» و «الی» با «دیه‌گو» که برگشته است به اعماق زمین می‌روند و درمی‌یابند که هنوز دوران دایناسورها تمام نشده است. آنها به رهبری یک راسوی ماجراجو به نام «باک» به دنبال «سید» می‌روند...

در هر یک از این فیلم‌ها، شاهد قصه‌ای جدید هستیم و علیرغم شخصیت‌های واحد، یک نواختی در آنها مشاهده نمی‌شود و هر فیلم به طرز قابل ملاحظه‌ای با نمونه‌های قبلی خود متفاوت است. قسمت چهارم هم از این قاعده مستثنی نیست.

دیدگاه‌های انتقادی و اعتقادی

این انیمیشن با همه موضوع‌های جدی، شوخی برخورد می‌کند. به خلاصه‌ترین وجه و علمی‌ترین روش، چرایی جدایی قاره‌ها و تئوری علمی انشقاق قاره‌ها را مطرح می‌کند. به ساخته شدن ابوالهول و غرق شدن آتلانتیس هم گوشه چشمی دارد و آنجا که همه روی یخ شناور هستند، اشاره‌ای هم به کشتی نوح دارد.

حتی در صحنه‌ای زرافه‌هایی که مشغول غذا خوردن هستند، در اثر انشقاق قاره‌ها، گردنشان کشیده می‌شود و به این ترتیب فرضیه داروین یادآوری می‌شود. صحنه کمک نهنگ دست آموز مادر بزرگ «سید» هم که با بلعیدن آنها، از صحنه خطر دورشان می‌کند، یادآور زندگی پدر ژپتو در دل نهنگ و البته داستان کهن حضرت یونس است.

ماموت و دوستانش در نهایت به سرزمین سنجاب‌ها می‌رسند؛ سنجاب‌هایی که دارند با دزدان دریایی مبارزه می‌کنند و همراهی این دو گروه با هم در نهایت موفقیت آمیز است. برخی منتقدان این خط داستانی را یادآور فتح آمریکا توسط کریستف کلمب خوانده‌اند و سنجاب‌هایی که یادآور سرخپوستان هستند و به این ترتیب برخورد صلح آمیز این دو گروه را نافی تاریخ خون‌بار سرخپوستان می‌دانند.

منتقدان چه گفتند؟

این انیمیشن در سایت روتن تومیتوز امتیاز ۵.۱ از ۱۰ را کسب کرده و تنها ۳۷ درصد منتقدان نظر کاملاً مثبتی نسبت به آن اتخاذ کرده‌اند.

از نظر منتقدان هر چند این قسمت از انیمیشن داستانی متفاوت و جدید را روایت می‌کند، با این حال همه المان‌هایی که برای بحث خانواده انتخاب شده‌اند، تکراری هستند. «پیچز» دختر نوجوان از سویی آزادی بیشتری می‌خواهد و از سوی دیگر دارد رابطه احساسی را تجربه می‌کند و پای یک ماموت نوجوان دیگر به نام «اتان» به وسط می‌آید. «دیه‌گو» با بیر ماده‌ای آشنا می‌شود و آن یکی مادر بزرگی دارد که غرغروست.

هر چند این روند داستانی با توجه به شخصیت‌های بامزه انیمیشن برای کودکان و نوجوانان همچنان جذاب است، اما مخاطبان بزرگسال از این قصه‌های ساده تودرتو، جذب فیلم نمی‌شوند. سه شخصیت اصلی هرچند هنوز حرکات خنده‌دار و بامزه‌ای دارند، اما صحبت‌ها و رفتارهای آنها دیگر تکراری است و مخاطبان شاید بیشتر از تحرک و شیطنت‌ها لذت ببرند و حتی گاه از فیلمنامه حوصله‌شان سر هم برود.

منتقد وراثتی می‌گوید: «عصر یخبندان» تنها با تکیه بر تکنیک، می‌تواند پشت سر دو انیمیشن دیگر سال یعنی «شجاع» و «ماداگاسکار» قرار بگیرد و تازه با بودجه زیادی نیز ساخته شده است و این خیلی تعجب‌آور نیست چون پیکسار و دریم ورکز همیشه تلاش بیشتری برای ساخت انیمیشن نشان داده‌اند تا کمپانی فاکس قرن بیستم.

وی می‌افزاید: به این ترتیب این فیلم گرچه از نظر جزییات به پای آن دو فیلم نمی‌رسد، اما به معنی این نیست که بی‌برنامه ساخته شده باشد و یا بی کیفیت باشد. ضمن اینکه از نظر کیفیت سه بعدی بهتر از دو فیلم دیگر است. کیفیت خودمانی این انیمیشن و شخصیت‌های جالب آن همچنان می‌تواند مخاطبان را راضی کند. چیزهای جدیدی که «مانی» در مورد پدر بودن کشف می‌کند، آنچه «پیچز» در مورد دوستی یاد می‌گیرد و عشق «دیه‌گو» تنها، طبیعتاً موضوع‌هایی هستند که برای آنهایی که این شخصیت‌ها را از اول همراهی کرده‌اند، جالب هستند.

منتقد دیگری می‌نویسد: قسمت چهارم این مجموعه این قدر جزئیاتش کم است که می‌توانست یک انیمیشن کوتاه پرشور باشد تا یک انیمیشن بلند خیلی قابل پیش‌بینی. البته پیش‌بینی‌پذیر بودن انیمیشن‌هایی در این سبک، نقطه ضعف محسوب نمی‌شود، اما کمبود گر‌ها و فراز و نشیب‌های داستانی، مسلماً نقص است.

و نظر منتقد دیگری چنین است: بعضی از شوخی‌ها واقعا خنده‌دارند و بیشتر صحنه‌ها، اگر نگوییم هیجان انگیز، حداقل رنگارنگ و شادند. این فیلم در برگیرنده یک بخش موزیکال، یک دعوا، یک سانحه دریایی، یک تعقیب و یک ماجرای عاشقانه برای «دیه‌گو» و بری ماده به نام «شیرا» است. با همه این‌ها هیچ گونه بی‌نظمی و بی‌سلیفگی در ساختار این فیلم وجود ندارد. «عصر یخبندان» مثل همیشه لذت بخش است، صمیمیت بیشتری ایجاد می‌کند و کاراکترها با هم هماهنگ هستند.

گزارش از مازیار معتمدی